

## عنوان مقاله:

ادبیات و فلسفه از منظری بین رشته ای؛ از فلسفه تحصلی تا فلسفه ایدئالیستی و از ریالیسم تا سمبولیسم

## محل انتشار:

نهمین همایش ملی پژوهش های زبان و ادبیات فارسی (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

## نویسندگان:

ابراهیم محمدی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

بهارک ولی نیا - دانش آموخته ی دکتری زبان و ادبیات فارسی

## خلاصه مقاله:

فیلسوفان علم گرا و تجربه باور، حس را منشا همه ی ادراکات بشری میدانستند. به باور آنها، علم انسان خلاصه ی تجربه های گذشته ی اوست و محدود است به محسوسات او. اما فلاسفه ی ایدئالیست، چه در آلمان و چه در فرانسه، بر اصالت تصور (اصالت علم یا اصالت معقول=اصالت ذهن) تاکید میکردند و اندکانک انسان را به عنوان عنصر اساسی و معنادهنده ی هستی مطرح میکردند. به این ترتیب مکاتب فلسفی گاه به مطالعه ی عین و برونذات میپردازند و گاه به مطالعه ی ذهن یادروذات؛ گاه، جهان اکبر را از راه مشاهده مستقیم و با بهره گیری از تجربه و قوه ی حس به شناخت درمیآوردند و گاه آن را از راه مطالعه در جهان اصغر قابل شناخت میدانند و گاه نیز انسان را در مرکز عالم هستی به عنوان خالق یا معنادهنده ی همه چیز به حساب میآورند. نکته ی مهم این است که جریانی همانند سیر تحول و تغییر رویکرد مکاتب فلسفی از تجربه گرایی و واقعگرایی به ایدئالیسم، در هنر و ادبیات هم دیده میشود؛ در ادبیات هم نگرشها از واقعگرایی و توجه به عینیت، به ایده گرایی و توجه به دنیای نمادهای ذهنی، تغییر مییابد. این تغییرات بنیادین در زیربنای فکری و مبانی نظری، باعث میشود که پایه های مکتب ریالیسم (و البته ناتورالیسم) که بر اصالت واقع تاکید دارند متزلزل شود و راه بر مکتبی گشوده شود که اصالت را به جهان نمادها و سمبولها و به تعبیر روشنتر، جهان ایده ها میدهد؛ مکتب هنرمندان نمادپرداز سمبولیسم) تلاش میکند به کمک علایم و اشارات و رمزها راهی به سوی جهان فراواقع باز کند. این پژوهش با رویکردی بینرشته ای، همانندی مکتبهای ادبی و فلسفی یادشده را تبیین میکند

## کلمات کلیدی:

پژوهش بین رشته ای در ادبیات و فلسفه، ریالیسم، سمبولیسم، فلسفه ی تحصلی، ایدئالیسم.

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/829169>

